



۱. کرونا، دشمن سیاست و اقتصاد و نظم و قانون است. اما دشمنی اش با نظم و قانون، دشمنی رودررو و مسنقیم نیست. بلکه چون آدم ها را می کُشد و در آهنگ و نظم زندگی بلاتکلیفی و آشوب پدید می آورد، قهرماً در سیاست و اقتصاد جامعه اثر منفی دارد. در هجوم و ایلغار کرونا، مردمی که پریشان یا پریشان تر می شوند، به حمایت نیاز دارند و پیداست که کشور باید حامی آنها باشد. ولی اکنون حضور کشور و سیاست چندان پیدا نیست. گویی همه کارها بر عهده وزارت بهداشت و درمان و پزشکان و بیمارستان ها گذاشته شده است و اینها باید با نقصان ها و کمبودها و حتی در برابر مانع تراشی های ناشی از جهل و غرور بسازند و به کارشان ادامه دهند. کاش سیاست می توانست لااقل از کارشکنی ها و نادرستی ها و خلافکاری ها جلوگیری کند. با توجه به چنین وضعی پیداست که باید قردان و حق شناس کسانی بود که با جان خود به مقابله بیماری رفته اند. چند روز پیش کسی به یادم آورد که سال ها پیش مقاله ای در باب رابطه پزشکی و بیمار در عصر تکنولوژی نوشته و در آن وساطت تکنولوژی میان پزشکی و بیمار را آفتی برای اخلاق پزشکی دانسته بودم. اخلاق پزشکی برخلاف آنچه غالباً می پندارند، مثل اخلاق های صنفی (اخلاق مهندسی، اخلاق کسب و کار و ...) چیزی بیرون از علم و حرفه و زاید بر آن نیست و از پزشکی جدا نمی شود. به عبارت دیگر پزشکی یک حرفه و علم اخلاقی است و این نکته ای است که فهمش چندان آسان نیست. شاید از میان شغل ها تنها شغل معلمی باشد که از این حیث به پزشکی نزدیک است و در آن اخلاق نمی تواند از آموزش جدا شود. در بقیه شغل ها اخلاق معمولاً اطلاق دستورهای کلی و مشهور اخلاقی بر کارها و شغل هاست. شرف پزشکی و معلمی نیز در نسبتی است که با اخلاق دارند.

۲. پیشامد شیوع کرونا می تواند آزمون بزرگی باشد. در طی سال هایی که من به یاد می آورم ایران دچار اپیدمی های بسیار شده است. اما هیچ یک از آنها این همه نگرانی پدید نیاورده و موجب پریشانی خاطر مردم نشده و به این جهت نمی توانسته است آزمونی هم برای سنجش توانایی ها و ناتوانی های دستگاه ها و سازمان های کشور و درک و شعور اجتماعی مردم باشد. گرچه در این پیشامد آثاری از تضادهای درونی فکر و عمل و زندگی نیز آشکار شده است. از جمله آنها یکی هم مداخله کسانی در این امر خطیر است که با مفهوم بیماری و سلامت در جامعه جدید به کلی بیگانه اند. اینجا مقام حکم درباب مفهوم و معنی سلامت و بیماری در دوران های تاریخی نیست. مهم این است که بدانیم آیا کشور تکلیف

خود را با کرونا می داند؟ و سازمانها -توقع هماهنگی کامل نیست- اندک هماهنگی ای با هم دارند و همکاری می کنند؟ و اگر دارند این همکاری به چه صورت است؟ قصه درآوردن این است که هر روز خبری از قاچاق و احتکار لوازم بهداشتی و طبی منتشر می شود. آیا سیاست پای خود را از ماجرا کنار کشیده است یا نمی تواند از عهده خلاف کاری ها برآید؟ وقتی سیاست پای خود را از بحوجه بلا کنار بکشد و دستش را هر چه بتواند از ویروس کرونا دور نگاه دارد و حتی دخالتی در هماهنگ سازی سازمان ها نداشته باشد بر مشکل غلبه نمی توان کرد. سازمان های اداری ما هرگز کارآمدی نداشته اند، پس اکنون هم اگر ندانند چه باید بکنند و چه می توانند بکنند گناهی ندارند. روزگار غریبی است که در آن همه چیز مسخر کرونا و ملک و مال آن شده و نه فقط درک و شعور عمومی بلکه قدرت علم و تکنولوژی نیز که میزان اعتبار همه چیز است، در معرض آزمون قرار گرفته است. ولی آزمون اصلی کرونا برای ما آزمون توانایی و ناتوانی درک مسائل و اتخاذ تصمیم و اجرا و عمل است. ظاهراً این آزمون هنوز چنانکه باید آغاز نشده است. زیرا کشور و مردم از بهت ناشی از هجوم و حمله که البته چندان ناگهانی هم نبوده است بیرون نیامده اند. بلا و مصیبت آمده است اما بلا و مصیبت به خودی خود آزمون نیست بلکه وقتی به آزمون تبدیل می شود که آزمایشگری وجود داشته باشد و قصد آزمایش کند و کاش اگر قرار است آزمونی صورت گیرد آنکه مسئولیت بیشتر دارد در صدد آزمایش برآید. زیرا اوست که باید کار کشور را سرسازمان بدهد. مردم و صاحبان هم می توانند این قبیل پیشامدها را آزمایش کنند. اما مهم آزمایش متصدیان امور است. این آزمایش را چندان آسان نباید گرفت. زیرا برای حکومت دشوار است که در آنچه می گوید و در درستی کاری که می کند شک روا دارد و پیداست که هر آزمایشی مسبوق به شک و پرسش و طلب است.

۳. اشتباهی که همه ما کم و بیش به آن دچاریم این است که قدرت و توانایی اشخاص و مخصوصاً متصدیان امور را بیش از آنچه هست می اندازیم و به این جهت از آنها توقع داریم که در شرایط بحرانی بتوانند همه امکان های کشور را برای عبور از بحران هماهنگ کنند. مسلماً بعضی از آنها در این کار می کوشند اما وقتی سازمان ها ناتوان و ناکارآمد باشند، کوشش ها چنانکه باید به نتیجه نمی رسد. درست است که حکومت اگر به جد بخواهد می تواند از فساد در معنی حقوقی و قانونی اش جلوگیری کند اما فساد ناشی از ناهماهنگی ها و بی برنامهگی ها و ندانم کاری های کلی با تصمیم های فوری دفع و رفع نمی شود و مقامات رسمی حتی اگر صالح باشند از عهده رفع آن بر نمی آیند. اینکه مدام این مقام و آن مدیر و رئیس را ملامت می کنند که چرا سازمان تحت نظارتش کار خود را چنانکه باید انجام نداده است، از توقعی ناشی می شود که به زحمت برآورده می شود. در میان متصدیان امور و حتی کارمندان سازمانها مسلماً آدم های باهوش و فهیم و اخلاقی هستند اما وقتی سازمان نمی داند چه باید بکند آنها چگونه منشا اثر در بهبود امور شوند؟ در چنین شرایطی عجب نیست که کشور به خلوت تنزه طلبی و قرنطینه سیاسی خود برود.

۴. ویروس کرونا سالم و بیمار و زنده و مرده نمی شناسد و به همه کس هر آسیبی که بتواند می رساند. شاید در این ماجرا با جاهلانی که عملاً در خدمت او قرار می گیرند اندکی مدارا کند. اینکه اخیراً گفته اند ویروس ها هوشمند می شوند و می توانند میزبان خود را انتخاب کنند از حرف های عجیب است، هرچند که شاید از حوزه قدرت تکنولوژی خارج نباشد. از مبتلایان به ویروس کرونا که بگذریم می بینیم که در کار پزشکان و نظم بیمارستان ها و درمان بیماران غیر کرونایی هم تغییری محسوس روی داده و در سایه نگرانی از ویروس قرار گرفته است. کسانی هم که از دنیا می روند اگر مرده های بی کفن و دفن نباشند مراسم ترحیم و یادبود برایشان برگزار نمی شود. کرونا با مرده ها هم دشمنی دارد.

۵. از آگامبن فیلسوف ایتالیایی نقل کرده اند که شیوع ویروس کرونا یک وضع استثنایی برای حکومت‌ها به وجود آورده است، اما این وضع به سیاستمداران نه فقط مجال و فرصت اعمال قدرت نمی‌دهد بلکه شاید بتواند سیاست را از میدان بیرون کند.

در فضایی که ویروس کرونا پدید آورده است، سیاست و ایدئولوژی خاموشی اختیار کرده اند. آن وضع استثنایی که کارل اشمیت و آگامبن می‌گویند وضعی است که کشور و مردم نمی‌دانند چه باید بکنند و حکومت تصمیم می‌گیرد. اما در وضع کنونی حکومت باید پناه مردم باشد و برای مردم تصمیم بگیرد. آیا در شرایط کنونی سیاست از عهده مقابله با ویروس کرونا برمی‌آید؟ اگر مثل حکومت چین بتواند از عهده برآید، کشور چندان آسیب نمی‌بیند، اما اگر از عهده بر نیاید قهراً دشواری‌هایی پدید خواهد آمد. آزمون ما اکنون همین است و باید امیدوار باشیم که از آن سرافراز بیرون بیاییم.